

توسعه پایدار در عرصه‌های منابع طبیعی با تکیه بر مفهوم برنامه ملی
تعادل دام و مرتع
(بررسی مشکلات - ارائه پیشنهادها)

اکبر ریاحی، کارشناس ارشد مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان فارس

چکیده:

توسعه جوامع، به برنامه‌ریزیهای منطقی وابسته است و در این جهت، بهره‌برداری بهینه از منابع محدود نقش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر با مدیریت صحیح و تخصیص بهینه امکانات و منابع (شامل منابع مادی و انسانی) می‌توان به تحقق توسعه پایدار امیدوار بود. جوامع از بخشهای اقتصادی گوناگون تشکیل شده‌اند که یکی از مهمترین این بخشها را منابع تجدید شونده (جنگلها و مراتع) تشکیل می‌دهند. به دلیل اهمیت این منابع در توسعه پایدار، حفظ، احیاء و بهره‌برداری مناسب از آنها ضروری می‌باشد. امروزه به دلایل مختلف، فشارهای نادرستی بر منابع طبیعی کشور وارد شده که نگرانیهای جدی را در مردم و سرپرستان ایجاد نموده است. از این رو، تلاش فزاینده‌ای به منظور حفظ و احیای جنگلها و مراتع در حال شکل‌گیری است.

از جمله اقدامات پیش‌بینی شده، ارائه طرح فراگیر با مدیریت هماهنگ به نام طرح تعادل دام و مرتع می‌باشد که می‌توان آن را طرحی در جهت عمران و توسعه روستایی و عشایری در نظر گرفت.

در مقاله حاضر سعی شده است تا ضمن معرفی مفهوم واقعی این طرح ابعاد و عوامل مؤثر در برقراری تعادل بین دام و مرتع نیز بیان گردند. همچنین با بررسی شرایط و مشکلات کنونی، ارائه راهکارهای مناسب، نحوه استفاده از یافته‌ها و نظرات علمی

موجود، شمای بکارگیری مشارکت واقعی بهره‌برداران و گروه‌های اجتماعی و پیشنهادهایی در جهت اجرای مطلوب طرح مذکور، به چگونگی دستیابی به تعادلی پویا در عرصه‌های منابع طبیعی اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی:

توسعه پایدار، منابع طبیعی، تعادل دام و مرتع و مدیریت هماهنگ.

مقدمه:

امروزه گرایش به سیاست همگرایی در بالاترین سطوح برنامه‌ریزی کلان و در میان برترین اندیشمندان و متفکران دنیا رواج پیدا نموده و به سرعت بر سیطره تحقق این نگرش افزوده می‌گردد. نظریه پردازان، روشنفکران، اندیشه‌ورزان و پژوهشگران این دوران همواره بر همبستگی و اتحاد، مدیریت یکپارچه، افزایش توان تولید، غنی‌سازی اطلاعات، همسویی و تعامل افکار، اهداف مشترک، بهره‌روی بهینه از منابع تولید، پرورش نخبگان و استعدادهای درخشان و نظایر آن به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار تأکید نموده‌اند. در این میان تحول دیدگاه حفظ و تبلور نگرش صحیح به منابع پایه با برخوردار شدن از جدیدترین و پیشرفته‌ترین علوم قرن خودنمایی ویژه‌ای دارد. حفظ ذخایر، احیاء مطلوب، بالابردن فرهنگ بهره‌برداری بهینه از منابع تولید، توسعه و مدیریت پایدار منابع طبیعی در سرلوحه اهداف آنان ترسیم شده است.

شاخصها نشان می‌دهند که در کشورهای جهان سوم تناسب تولید و مصرف چندان معنی‌دار نیست. مصرف تا حد انهدام منابع تولید پیش می‌رود و گاهگاه همین منابع تولید بالای خانمان‌سوز بشر (سیل، خشکسالی، قحطی و...) می‌گردند. بدیهی است که این‌گونه برخوردها با ثروت ملی و طبیعی و ظهور شاخصه‌هایی از این قبیل به معنای عدم توسعه یافتگی است. بنابراین، تفکر تسلط بر منابع تولید از جانب

کشورهای پیشرفته از یک سو و بی توجهی به این منابع از جانب کشورهای جهان سوم و برخی کشورهای در حال توسعه سبب گردیده است که امروزه این منابع به شدت رو به اضمحلال و نابودی روند و دیگر اهرمی در جهت توسعه محسوب نگردند. این کشورها به زایل کردن منابع موجود به قصد صادرات در واقع به ((صدور پایداری)) دست می زنند.

رینگ (۱۹۹۸) معتقد است که هنگامی که از مدیریت محیط زیست سخن می گوئیم، در واقع به فرآیندی هوشیار و هدفمند می اندیشیم که باید میان میل به پیشرفت فن آوری، آسایش بشر و حفاظت و اصلاح محیط زیست، تعادلی پایدار و پویا برقرار سازد (۲).

براساس نظر بانک جهانی، کسب یک توسعه مناسب، مداوم و عادلانه مهمترین چالشی است که بشر با آن رو به روست. برای مثال، الگوی پیشین توسعه اقتصادی برای بسیاری از کشورها موجب شده بود تا منابع طبیعی به طور چشمگیری تحلیل رفته و تباه شوند. به علاوه، تنوع زیستی نیز به سرعت دستخوش کاستی شده و به تازگی نیز خطر گرم شدن کره زمین به طور جدی خود را نشان داده است. در طی دو دهه گذشته نیز مردم هر روز بیشتر پی می برند که فرآیند تولید و الگوهای مصرف، به محیط زیست آسیب رسانده و دیگر نمی توان آنها را نادیده گرفت. در نتیجه درخواستهایی مبنی بر رشد و توسعه پایدار مطرح می شوند. بدین شکل که توسعه باید حق انتخاب و ضرورت‌های نسل آینده را محترم شمرده و حفظ نماید (۱۶).

کارشناسان اعتقاد دارند که جوامع ما پیوسته در حال اتخاذ رهیافتهای کوتاه مدت و متکی بر فن آوری برای حل مسایل و مشکلات خود می باشند. اما حل چنین مشکلاتی اغلب به همکاری بیشتر میان افراد و سازمانها، اتخاذ رهیافتهای بلند مدت و توجه به محیط زیست نیاز دارند. در این حالت ما به مدل‌هایی نیازمندیم که به جای

سطحی بودن، توجه بیشتری به کسب یک پایداری همه جانبه و عمیق داشته باشند (۱۶).

در این راستا طرح تعادل دام و مرتع به عنوان طرحی ملی و با جایگاه قانونی و مستحکم با هدف تحقق بخشی از آرمانهای فوق و احیاء تفکر همگرایی و جامع‌نگری از سوی وزارت جهاد کشاورزی مطرح گردیده است. در این مقاله سعی خواهد شد که ابعاد و عوامل مؤثر در برقراری این تعادل را شناسایی و پیشنهادهایی در جهت جامع‌بینی بیشتر و حل مشکلات و همچنین توجه و اهمیت به رهیافتهای منابع مذکور ارائه گردند.

وضع موجود مراتع و ضرورت توجه به آن:

در حال حاضر تعداد دام موجود در کشور ۱۳۲ میلیون واحد دامی و نیاز علوفه‌ای این تعداد ۳۰۷۴۷ میلیون تن T. D. N می‌باشد. این در حالی است که T. D. N حاصل از انواع منابع خوراک دام ۲۴/۳۴۷ میلیون تن T. D. N برآورد گردیده که نشان‌دهنده ۶/۴ میلیون تن T. D. N کسری (حدود ۲۱ درصد کل T. D. N مورد نیاز)^۱ می‌باشد. از سوی دیگر تولید T. D. N فعلی از مراتع کشور (قابل برداشت مجاز) ۵/۵ میلیون تن است که قادر به تغلیف ۲۵ میلیون واحد دامی در سال و یا ۳۷/۵ میلیون واحد دامی در طول ۸ ماه می‌باشد (سهم علوفه قابل برداشت مجاز مراتع نسبت به موجودی تولید علوفه در کشور ۲۲/۵ درصد است). اما آمار نشان می‌دهد، که در شرایط فعلی نزدیک به ۷۷ میلیون واحد دامی در عرصه مراتع تغلیف می‌نماید (۳/۰۴ برابر ظرفیت فعلی در یک سال و ۲/۱ برابر ظرفیت فعلی مراتع در طول ۸ ماه).

۱- مأخذ: معاونت امور دام - وزارت جهاد کشاورزی

بنابراین، باتوجه به کسری T. D. N مورد نیاز دام در کشور و برداشت غیرمجاز از مراتع نزدیک به ۸۶٪ از کسری علوفه موجود با برداشت غیرمجاز و بیش از ظرفیت توسط مراتع تأمین می گردد. (۲ و ۹).

هجوم همه جانبه به مراتع کشور به منظور بهره‌کشی بیش از حد، این تخریب را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که هیچ موازنه‌ای بین وضعیت فعلی با نوع و میزان بهره‌برداری وجود ندارد. این تخریب نه توسط قشر خاصی صورت گرفته و نه عامل منفردی باعث آن شده و نه شرایط یکتای ویژه‌ای در پیدایش آن نقش داشته و نه سازمان مشخصی به تنهایی قادر به احیاء چنین مخروبه‌هایی است. بدین جهت وفاق ملی، عزم راسخ، همگرایی تمامی ارگانهای مربوطه و سیاستهای همسو، همراه با بازنگری در برخی قوانین موجود در نظارت قوی و مستمر بر اجرا، تنها راهبرد موفقیت‌آمیز خواهد بود. تلفیق تحقیقات، مطالعات پایه، تجربیات و درایت در تشخیص مطلوبترین سیستم برنامه‌ریزی و کاربری اراضی را می‌توان از اصول اولیه کار برشمرد. بنابراین لزوم مدیریتی واحد و قدرتمند در طراحی الگویی که راهکارهای دستیابی به چنین هدفی را دنبال نماید و پشتوانه محکمی در ایجاد انسجام میان گروهها و بخشهای متعدد در مطالعه و اجرا محسوب گردد اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، نظر به اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران مراتع به ویژه گروهی که تنها راه امرار معاش آنان دامداری متکی به مراتع می‌باشد، ضرورت احیاء این پهنه‌ها را دو چندان می‌کند. البته می‌بایست متذکر شد که واحدهای مسئول در امر احیاء و اصلاح جنگلها، مراتع و بیابانها و خدمات دامی متناسب با امکانات، نیروی انسانی، بودجه تخصیصی و دستورالعملهای موجود به وظایف خود عمل می‌نمایند. اما روند تخریب بسیار شدیدتر از آهنگ بهبود خودنمایی می‌کند.

همچنین در میدان رقابت با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، با این‌گونه برخورد نمودن با منابع ارزشمند تولید نمی‌توان به موفقیت چشمگیری امید داشت. بنابراین، راهی جز تغییر این نگرش و ساماندهی به وضع موجود به نظر نمی‌رسد.

معرفی و بیان ابعاد طرح تعادل دام و مرتع:

بحث تعادل دام و مرتع و نگرش بر حفاظت از منابع تولید پایه از یک سو و تأمین نیاز کشور به مواد پروتئینی و دستیابی به تولید مناسب در داخل کشور به منظور نیل به خودکفایی از سوی دیگر، سبب گردیده است که مسئولان و واحدهای اجرایی هر بخش سعی بر افزایش گستره کاری خود (چه از جنبه کمی و چه از جنبه کیفی) نمایند. این حرکتها هر چند صادقانه و در راستای خدمت به مملکت بوده، ولی چون معمولاً از یک نظام هماهنگ و منسجم پیروی ننموده، موجب گردیده است که کمتر اهداف و سیاستهای اجرایی در راستای خواست برنامه‌ریزان به مرحله اجرا در آید (۲).

در طرحهای ارایه شده از سوی دفتر فنی مرتع (سازمان جنگلها و مراتع کشور) و سایر معاونتها و مدیریتهای وزارت جهاد کشاورزی که هم‌اینک از سوی این وزارتخانه پس از تلفیق و هماهنگی به عنوان طرحی ملی در ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه مطرح گردیده، در واقع سعی شده با نگرش به عوامل مؤثر بر تعادل و تکیه بر تجارب گذشته و فراخوان تمامی واحدهای مرتبط با گستره منابع تولید طبیعی، به ارایه راهکارهای مناسب همت گماشته شود.

در این طرح به‌طور مستقیم به کاهش دام دامدار توجه نمی‌گردد، بلکه با ارزیابی میزان درآمد لازم برای مدیریت هر خانوار دامدار به شیوه‌های کسب این درآمد از مرتع باتوجه به ویژگیهای اکولوژیکی و اجتماعی پرداخته می‌شود. در واقع در جهت تبدیل مراتع به بنگاههای اقتصادی باتوجه به سایر توانها و استعدادهای عرصه غیر از تولید

علوفه دامی همانند استفاده از گیاهان دارویی، صنعتی، خوراکی و زینتی، توسعه آبی‌پروری، زنبورداری، پرورش طیور، توسعه صنایع دستی، گسترش درختکاری، هدایت طرح طوبی و سایر واگذاریهای اراضی و نظایر آن مدیریت ویژه‌ای اعمال می‌گردد. بعد از حصول درآمد از روشهای مذکور متناسب با این افزایش درآمد، دامدار به متناسب نمودن دام با ظرفیت مرتع تشویق می‌گردد.

در واحدهای کاری این طرح (عمدتاً مرتعداری، عرصه‌های مطالعه شده در طرحهای مدیریت منابع طبیعی، مدیریت آبخیزداری، سایت‌های اسکان و ...) با تکیه بر انواع عملیات احیاء و اصلاح و حتی تأمین علوفه زمان خشکسالی از طریق کشت گیاهان علوفه‌ای مقاوم، تبدیل دیمزارهای کم بازده به مزارع تولید علوفه، بذرگیری و بذرکاری در عرصه و در قطعات ایجاد شده به عنوان بانک بذر خاک، مدیریت چرا، کاهش دام و همچنین استفاده از سایر پتانسیلهای اراضی علاوه بر تفکر احیاء عرصه به پایداری متناسب دام و دامدار با برنامه‌های اصولی پرداخته شده است. پیشگیری از کاهش تولید بیولوژیکی، احیاء اراضی مخروبه، بهبود ترکیب گیاهی (طبقه و فرم رویشی)، بهره‌گیری از دانش بومی و اهرم قدرتمند مشارکت بهره‌برداران از دیگر نقاط قوت این طرح می‌باشد. همچنین با ارزش نهادن به مرتعدار به جای دامدار، مرتع به جای دام و هدایت به سمت پرورش مرتعداران ماهر و ارجحیت به فرزندان تحصیل کرده ایشان در مدیریت مرتع نقش بارزی در اشتغالزایی فرزندان بهره‌بردار و و رفع بیکاری پنهان و آشکار در میان این قشر ایفاد می‌نماید. می‌توان این‌گونه بیان نمود که این طرح بخش کوچکی از برنامه‌های فقرزدایی می‌باشد که در راستای بهبود فضای اقتصاد ملی صورت می‌گیرد و بدون رعایت آن به تدریج بیابانزایی انسانی توسعه می‌یابد.

به طور کلی به منظور اعمال مدیریت بهینه در مراتع و نیز بهره‌برداری مناسب از سرمایه‌های دامی و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذارانهای مختلف در مناطق روستایی و

عشایری و همچنین بهبود مدیریت اجرایی برنامه‌ها و طرحهای حفظ، احیاء و توسعه مراتع و دامداری و جلوگیری از موازی کاری، انجام عملیات اجرایی پراکنده و ناهماهنگ بخشهای مختلف در این مناطق، طرح تعادل دام و مرتع تنظیم گردیده است (۱).

این طرح به طور عمده شامل طرحهایی در امر بهبود مدیریت مرتع و حوزه‌های آبخیز، بهبود مدیریت پرورش دام و ساماندهی به طرحهای کوچ و اسکان در سامانه‌های عرفی روستایی و عشایری است. از آنجایی که یکی از عوامل مهم و دست‌اندرکار در امر بهره‌برداری از مراتع و دامداری کشور، بهره‌برداران ساکن در عرصه‌های منابع طبیعی می‌باشند، در کنار برنامه‌های فنی و اجرایی و سایر خدمات نهاده‌ای و اعتباری، برنامه‌های آگاه‌سازی و تواناسازی آنان به منظور کسب دانش فنی تولید و بهره‌برداری و دانش اجتماعی (شامل مدیریت و رهبری، سازماندهی و اداره گروه‌های عرفی بهره‌برداری، شوراهای مختلف، نهادهای محلی و سنتی، تشکیل تعاونیها و...) طراحی شده‌اند (۱۳).

بهینه‌سازی نظام مرتعداری و گله‌داری، کاهش تدریجی جمعیت دامی مازاد و سایر گونه‌های دامی از عرصه‌های مرتعی و ساماندهی آنها در نظامهای نیمه‌صنعتی و صنعتی و اختصاص مراتع به عنوان یک منبع تغلیف دام سبک، برطرف نمودن نارساییهای فنی، مدیریت نظامهای بهره‌برداری، بهینه‌سازی تولید، کاهش تلفات و ضایعات، تعادل منطقی بین دام و مرتع، فراهم آوردن تعادل زیست‌محیطی و جلوگیری از فرسایش آبی-خاکی و در نتیجه ایجاد شرایط مطلوب در محیط‌زیست طبیعی ایران از سایر ابعاد گسترده این طرح می‌باشد (۱).

بنابراین، در طرح تعادل دام و مرتع، به چگونگی برقراری رابطه‌ای مناسب بین تولید و بهره‌برداری باتوجه به شرایط متنوع اکولوژیکی و مسائل پیچیده اجتماعی-اقتصادی حاکم بر عرصه‌های منابع طبیعی و حوزه‌های آبخیز پرداخته می‌شود.

در حال حاضر، اصلی ترین منبع درآمد بهره برداران از این عرصه ها، دامداری متکی بر علوفه مراتع است. اما در این طرح، اعتقاد بر آن است که می توان با تغییر و بهبود شیوه معیشتی و منبع درآمد با در نظر داشتن الگوی زیست، علاوه بر بهبود اوضاع نابسامان کنونی این عرصه ها، از سایر پتانسیل های عرصه نیز استفاده نمود. در واقع، امید بر آن است که با افزایش سطح درآمد و اشتغال بهره برداران منابع طبیعی از طریق بهره وری از استعدادهایی غیر از تولید علوفه دامی، کاهش تعداد دام غیرمجاز به سطح مجاز و همچنین افزایش تولید در مراتع به تدریج صورت پذیرد.

بحث و نتیجه گیری:

سازمان اجرایی مورد نیاز (همگرایی میان واحدها)

ضعف روش های سنتی به دلیل عدم توجه به کل نگری از یک طرف و تجزیه مصنوعی مسائلی که دارای ماهیت پیچیده و غیرقابل تجزیه دارند به اجزاء ساده، از طرف دیگر، صاحب نظران و متفکران را به سوی نگرش های ترکیبی نظام گرا سوق داده و این به پیدایش نظریه عمومی سیستمها و روش سیستمی منتهی شده است. در قلمروی علم، این طرز تفکر به صورت مجموعه نگری، آمیختن رشته های مختلف علمی و اهمیت رابطه متقابل و متعادل اجزاء تجلی پیدا کرده است (۱۶).

در مورد مدیریت منابع طبیعی نیز سالها تجربه اجرایی نشان داده است که با تکروری و یک بعدی نگریستن هرگز دستیابی به اهداف میسر نخواهد شد. در واقع منابع طبیعی نه مرتع هستند و نه فقط دام، بلکه مجموعه ای از اکوسیستم های پیچیده و کاملاً مرتبط با هم می باشند. بنابراین به منظور تحقق اهدافمان همانند طبیعت باید پیچیده، در کنار هم و مرتبط عمل نماییم. این موضع می بایست به طور منظم و مستمر

در تمامی طرح‌های کلان و خرد مشهود باشد. بنابراین، در طرح تعادل دام و مرتع همسو نمودن تمامی واحدهای مرتبط با عرصه‌های منابع طبیعی باید در اولویت قرار گیرند.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد که اکنون که به حمدا. . ادغام وزارت جهاد با وزارت کشاورزی صورت پذیرفته، با همسویی و یکدست نمودن اهداف و سیاستها، در راستای دستیابی به مدیریت واحد سرزمین، تمامی اراضی کشاورزی، عرصه‌های منابع طبیعی، منازل مسکونی و مناطق صنعتی همزمان در بخش روستایی و عشایری در کنار طرح‌های جامع دیگر در طرح دیده شوند. شاید با تغییر نام این طرح به ((طرح ساماندهی و بهره‌وری بهینه از عرصه‌های منابع تولید طبیعی و بهبود، عمران و توسعه منابع روستایی و عشایری ایران)) بتوان ابعاد گسترده و ضروری طرح را در گستره‌های زیست‌محیطی متذکر شد.

بنابراین، می‌بایست از واحدهای کشاورزی، محیط‌زیست، معاونت عمران و صنایع روستایی جهاد کشاورزی، دفتر آمایش سرزمین برنامه و بودجه، وزارت معادن و فلزات و کلیه نهادهایی که به نوعی در حیطه عرصه‌های مذکور فعالیت می‌نمایند، برای شرکت در اجرای طرح دعوت بعمل آورد و تمامی این واحدها با برنامه‌ای دقیق و از پیش طراحی شده در عرصه حاضر شوند. به نظر می‌رسد که گروه‌های تحقیقاتی، مطالعاتی و ترویجی، پیش‌تاز و زودتر از سایر گروه‌ها در منطقه باید وارد شوند (لازم است مناطق اجرا تا پایان برنامه با تنظیم جدولی کاملاً مشخص شوند) و با ارایه نقشه نهایی (بعد از اعلام نتایج کاربری و آمایش سرزمین) به واحدهای اجرایی به نوعی از پراکنده‌کاری در عرصه جلوگیری نمایند. تکیه قابل توجه در این زمینه، مطالعات تدقیق در یک حوزه آبخیز و اجرای عملیات پیش‌بینی شده در زیر حوزه‌ها (طرح‌های مرتعداری و عرفهای شناخته شده) است. زیرا، به دلایل فنی متعدد می‌توان ثابت نمود که مطالعه و اجرا در ابعاد کوچک (تنها طرح‌های مرتعداری) خالی از اشکال نیست.

همگرایی درون واحدها:

به منظور استفاده از حداکثر قدرت هر واحد و انسجام و همسویی زیر مجموعه‌های آن می‌بایست یک برنامه‌ریزی و مدیریت مشخص تنظیم و یا کار الگویی (برای مشخص شدن محدودیتها و نقاط قوت) نسبت به ارتقاء سیستم برنامه تدوین شده اقدام نمود. سپس با تعیین جایگاه هر واحد (که هر یک اقدام مشابهی انجام داده‌اند) در سازمان اجرایی کار، سعی در کسب مطلوبترین نتیجه ممکن در اجرا خواهد شد.

البته می‌بایست در این مرحله نیز حداقل چند مورد کار الگویی به منظور نمایان شدن مشکلات و زوایای پنهان و همچنین واگرایی و موازی‌کاری در اهداف و نحوه عمل، میان تمامی واحدهای مرتبط با طرح به مرحله اجرا درآید. بعد از اتمام مراحل فوق و مرتفع نمودن مشکلات نوبت به کار اجرایی در هر منطقه پیشنهادی خواهد رسید.

برای مثال در راستای تحقق اهداف مدیریت منابع طبیعی در استان فارس به منظور هماهنگی بیشتر در مطالعات و اجرا، تمامی زیر مجموعه‌های فنی اداره کل منابع طبیعی اعم از ادارات مرتع، جنگل، بیابان، بهره‌برداری، مهندسی و مطالعات در کنار یکدیگر چند نمونه کار الگویی در سطح استان انجام گردید و پس از اقدامات لازم در جهت همگرایی بیشتر و ملموس شدن نتیجه مطلوبتر فعالیتهای گروهی، به‌طور منسجم در سازمان اجرایی طرح تعادل دام و مراتع قرار گرفته‌اند. اگر اقدام مشابهی از سوی سایر واحدهای سازمان اجرایی طرح صورت پذیرد و بعد با انجام کار در چند نقطه الگویی (تمامی واحدهای مرتبط) در سطح استان در کنار هم برای اجرای مراحل بعد قرار گیرند، بی‌تردید نباید در حصول نتیجه تردید نمود.

به طور کلی، در تمام جهان گرایش زیادی به سوی نتیجه گرایی در مباحث مدیریتی و عملیات اجرایی بوجود آمده است. سازمانهای دست اندرکار توسعه نیز از این امر مستثنی نبوده و اعتقاد بر این است که آینده آنها به نتیجه گرا بودنشان در اجرای برنامه های خود، بستگی خواهد داشت، و این به دلیل تغییرات چالشها و گرایشهایی است که این سازمانها در حال روبه رو شدن با آنها هستند. در این حالت اگر مدیران تنها بر روی خود و کارهایشان تمرکز داشته باشند، قادر نخواهند بود که فعالیتهای انجام شده را در خارج از سازمان خود، درک و مشاهده نمایند. این موضع باعث شده تا همگرایی درون واحدها و بعد میان واحدها شکل گیرد تا شعار فکر کردن به شیوه جهانی و عمل کردن به شکل محلی، به صورت یک اصل برای متخصصان و کارشناسان درآید (۱۶).

تأمین علوفه و سایر نهاده های مورد نیاز:

از عمده ترین مشکلاتی که در حال حاضر بر سر راه اجرای طرح تعادل دام و مرتع قرار دارد، تأمین علوفه مورد نیاز دامهای متکی به مراتع در زمانی است که دام خارج از مراتع تعلیف می کند، در مواقع خشکسالی، در مواردی که در مراتع اقدام به قرق یا عملیات احیاء و اصلاح و اعمال سیستمهای چرایی می شود و همچنین در زمانی است که دام در ایستگاههای انتظار دام، در مسیر کوچ و در جریان صادرات قرار می گیرد می باشد. تأمین علوفه می بایست به مقداری باشد که دام دچار سوء تغذیه و افت وزن نگردد (شکل شماره ۴).

مراتع کشور یکی از مهمترین سرمایه های ملی محسوب می شوند که باتوجه به نظامهای دامداری متداول در کشور تأمین کننده بخش عمده ای از خوراک دام می باشند. بر اساس اطلاعات موجود متوسط علوفه تولید شده از مراتع حدود ۱۰ میلیون تن

تخمین زده می‌شود که ۲۷٪ از کل خوراک دام تولیدی در کشور را به خود اختصاص می‌دهد. این در حالیست که گیاهان علوفه‌ای ۱۸٪، مواد متراکم ۱۷٪ و بقایای کشاورزی ۳۸٪ از کل خوراک دام تولیدی را تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر براساس آمار سازمان برنامه و بودجه، در سال ۱۳۷۶ جمعیت دامی کشور معادل ۱۲۰/۶ میلیون واحد دامی بوده است که سالانه به حدود ۶۰ میلیون تن خوراک دام احتیاج دارند که فقط ۲۷ میلیون تن آن از منابع داخلی تأمین می‌گردد. بنابراین، برای بروز حداکثر پتانسیل تولیدی دامهای موجود سالانه ۲۳ میلیون تن کمبود خوراک دام وجود دارد که یکی از عواقب این امر اعمال فشار بیش از حد به مراتع کشور می‌باشد، بنابراین برای جلوگیری از تخریب و استفاده پایدار از مراتع لازم است تا الگوی مناسب بهره‌برداری از مرتع معرفی گردد که شامل مراحل اجرایی زیر می‌باشد:

مرحله اول: شناخت وضعیت موجود دام و مراتع کشور با همکاری بحثهای تحقیقاتی.
 مرحله دوم: تعیین ارزش غذایی گیاهان مرتعی در اقلیمهای مختلف کشور.
 مرحله سوم: تعیین نیازهای غذایی نژادهای دامی استفاده‌کننده از مرتع.
 مرحله چهارم: تعیین حد مجاز برداشت از مراتع و در نتیجه مقدار ماده خشک که از مراتع اقلیمهای مختلف برای دام تأمین می‌گردد.
 مرحله پنجم: ارائه فرمولهای مناسب جهت تغذیه تکمیلی دام.
 با توجه به اطلاعات بدست آمده از مرحله‌های ۲، ۳ و ۴ میزان کمبود مواد مغذی و مواد معدنی مشخص می‌گردد و بعد برای مناطق مختلف کشور باتوجه به نوع دام استفاده‌کننده از مرتع، فرمول غذایی تکمیلی برای تأمین مواد مغذی و مواد معدنی ارائه می‌گردد.
 مرحله ششم: ارائه روشهای مناسب مدیریت تغذیه دام از مرتع.

در وضعیت کنونی منابع خوراک دام موجود به اندازه‌ای هستند که ضمن تأمین احتیاجات نگهداری تنها حدود ۵۰ درصد توان تولیدی جمعیت دام کشور را نمایان می‌سازد بنابراین می‌بایست با اجرای طرحهای تحقیقاتی مناسب در این زمینه، چگونگی و نحوه امکان بروز ۵۰ درصد بقیه استعداد بالقوه دامها بررسی و معرفی گردند (۱۵).

از دیگر مشکلات قابل ذکر می‌توان به تهیه بذر، کود و سایر نهاده‌ها در حجم کاری مورد نیاز اشاره نمود. زیرا باتوجه به جداول ارایه شده پیرامون سطح و حجم عملیات طرح، هر ساله به مقادیر هنگفتی از این نهاده‌ها نیاز می‌باشد و این در حالی است که ارقام تولید و تهیه سالیانه فعلی، اختلاف فاحشی را با آنچه مورد لزوم می‌باشد نشان می‌دهند.

برای رفع این مشکلات علاوه بر تأمین اعتبار مورد نیاز و زمان به موقع اعطاء آن، به مواردی چون بهره‌گیری از اهرم قوی مشارکت مردمی، دانش غنی بومی بهره‌برداران، هدایت عناوین تحقیقاتی مراکز و مؤسسات، اهمیت و بکارگیری تفکرات خلاق، جمع‌آوری اطلاعات داخلی و خارجی، سوق دادن واگذاریها، هدایت سمینارها، طرحها و پایان‌نامه‌های دانشجویی، بکارگیری تجارب کارشناسان، اطلاع‌رسانی، به موقع به تمامی سطوح عملیاتی، هماهنگی بیشتر با بخش کشاورزی، تأسیس یا بالابردن ظرفیت تولیدی مراکز تولید بذر، کود و سایر نهاده‌ها، قابل مصرف کردن پس مانده‌ها و ضایعات کارخانجات، هدایت تولیدات سایر واحدها و از همه مهمتر برنامه‌ریزی دقیق در سطوح ملی با در نظر داشتن امکانات و پتانسیلهای موجود و مواردی از این قبیل می‌توان اشاره نمود.

خدمات و فعالیتهای قابل انجام در بخش دام و تحقیقات دامی:

۱- با پرورش نژادهای کم توقع پشمی-گوشتی به جای گوشتی-پشمی و تنها با افزایش کمی پشم آنها به دو برابر حد فعلی، علاوه بر رفع نیاز صنایع نساجی و قالیبافی به پشم، از خروج ارز برای ورود این کالا جلوگیری نموده و به علاوه می توان نسبت به رفع نقصیه فعلی استفاده از پشم خارجی و پشم دباغی در قالیبافی و افت ارزش صادراتی آن اقدام نمود.

۲- ترغیب دامداران به پرورش گوسفند در حال انقراض قره گل که مخصوص مناطق سرخس در شمال خراسان، قم و شیراز با مراتع ضعیف تا متوسط هستند، از جمله مهمترین خصوصیات این گوسفند استفاده از پوست برههایی است که در اواخر آبستنی و یا در ۲ تا ۳ روز اول پس از تولد کشته می شوند و به این ترتیب نسبت به چرای اضافی برهها جلوگیری بعمل می آید.

۳- پرورش بزهای کرکی به جای شیری به لحاظ نیاز کمتر غذایی آنها، تولید گرانتر و نگهداری مناسبتر و سهل تر در تولید.

۴- کشت گیاهان مرتعی مناسب که خار و دانه های فرو رونده در پوست و پشم نداشته باشند. بیشترین و بهترین این گیاهان: بعضی از انواع گیاهان دارویی می باشند که علاوه بر خوش طعم کردن گوشت از نفوذ و آسیب رساندن به پوست و ایجاد گره های کور در پشم جلوگیری می نماید. در ضمن از بقایای این گونه گیاهان نیز می توان بعد از بهره برداری استفاده نمود (۱۵).

ساماندهی دام در عرصه های مرتعی با ایجاد زمینه های زیر عملی می باشد، بنابراین

می بایست به تحقق این موارد همت گماشته شود:

۱- ایجاد تعاونیهای تولید دام و مرتع یا شرکت سهامی مرتعداران دامدار.

۲- ارایه مجوز صدور دام به تعاونیهای مذکور.

- ۳- خرید حمایتی دام از تعاونیها توسط شرکت پشتیبانی و شرکتهای خصوصی.
- ۴- ارایه تسهیلات تبصره ۲۸ در دو مقطع یک ماهه (اواسط تابستان و اواخر پاییز).
- ۵- ایجاد میادین دام موقت در مسیر ایل راهها توسط شرکت پشتیبانی یا بخش خصوصی جهت خرید دام مازاد و عرضه به پرواربندیها (۱).

نظارت و ارزیابی:

یکی از اساسی ترین ارکان موفقیت این طرح را می بایست توجه به بعد نظارت، ارزشیابی و پیگیری مستمر امور دانست. از این رو لازم است که تا هر واحد مرحله به مرحله کارهای انجام شده را ارزشیابی و به طور مستمر بر امور نظارت داشته باشد. این موارد از سطح واحدهای تصمیم گیری ستادی و کمیته های کارشناسی و اجرایی تا مراحل اجرایی در عرصه ها و شیوه های هدایت، برخورد و کنترل بهره برداران باید گسترده شود. ارزیابی مورد اشاره شامل ارزیابی آموخته ها، فرآیندهای جاری طرحها، بکارگیری آموخته ها و تغییرات ایجاد شده خواهد بود. هر چند این ارزیابی در سازمان اجرایی طرح به عهده مراکز تحقیقاتی وابسته نهاده شده، اما هر واحد برای به ثمر رسیدن زحمات، فعالیتها، مطالعات و بودجه صرف شده می بایست خود پیگیر این مسایل باشد. لازم است که برای موفقیت طرح این زوایه پنهان را تا حد امکان مورد بررسی قرار داده و نتایج را در عمل در تمامی سطوح و خارج از مصلحت اندیشی بکار برد. نظارت و ارزیابی مورد اشاره باید حتی بعد از اتمام عملیات اجرایی و خروج واحدها از عرصه به طور مداوم پیگیری شده و با دستورالعملهای کارا، خاطیان بشیر و نذیر شوند.

در نظر گرفتن کاربرد سه معیار کلیدی زیر برای گزینش روشهای راهبردی در این

رابطه مؤثر خواهد بود:

۱- افزایش کارآیی و بهره‌وری، ۲- ایجاد تنوع و ۳- افزایش برگشت‌پذیری و به حداقل رساندن مخاطرات (۷).

باتوجه به اهداف طرح تعادل دام و مرتع، به نظر می‌رسد که سه معیار فوق خواهند توانست میزان تغییرات حاصل از اجرای طرح را در عرصه نسبت به شرایط کنونی نمایان کنند. بنابراین به منظور سنجش و اثر بخشی اجرای طرح می‌بایست این معیارها نیز ملاک عمل قرار گیرند.

هدف از ارزشیابی، اصلاح و بهبود فعالیتها و رفع کاستی‌ها است. در بررسی میزان موفقیت یا عدم موفقیت یک سیستم تولیدی یا خدماتی می‌توان براساس شاخصهایی مانند بازدهی، بهره‌وری، کارآیی و اثر بخشی اقدام نمود. در واقع، ارزشیابی می‌تواند بر سه حوزه متفاوت متمرکز باشد. این حوزه‌ها عبارتند از: الف) کارآیی مالی و اقتصادی برنامه، ب) تأثیرات، ستادها و نتایج برنامه و ج) اثر بخشی یا عملکرد برنامه‌ها در دستیابی به اهداف مشخص شده (۸).

تأمین اعتبار:

بی‌تردید این طرح بدون پشتوانه مالی قوی و کلان راه به جایی نخواهد برد. مهیا نمودن اعتبار مورد نیاز، تزریق به موقع، تفکیک و تقسیم مناسب میان واحدها، هماهنگی برای دریافت اعتبار و شروع بکار مطابق جدول زمان‌بندی شده و نظارت و پیگیری لازم در چگونگی مصرف و هزینه‌های انجام شده از اهمیاتی خواهد بود که تحقق و پیشبرد سیاستهای تدوین شده را میسر می‌سازد.

از سوی دیگر برقراری ارتباط با بانکها و سایر واحدهایی که قادر به پرداخت وامهایی با درصد سود مناسب و طولانی مدت باشند، ضروری خواهد بود، چرا که با

نیازمندترین و شکننده ترین اقشار جامعه و در عین حال با قشر تولیدکننده خالص و بی توقع ارتباط خواهیم داشت.

به نظر می رسد که بانکها تاکنون ملزم به پرداخت تسهیلات به این طرح نشده اند. با توجه به جایگاه با اهمیت بانکها، پیگیری این موضع موفقیت طرح لازم و اجتناب ناپذیر می باشد.

بنابراین توجه مسؤلان و مدیران به اهمیت اجرای این طرح و تأمین اعتبار مستمر، بدون اعمال نوسانهای اعتباری تخصیصی و عنایت به افزایش قیمتها و مهمتر از همه تأمین به موقع اعتبار (با توجه به محدودیت زمانی عملیات میدانی)، از اصول پیشبرد مداوم اهداف طرح خواهد بود. همچنین مشخص شدن میزان و منابع اعتباری واحد مطالعات، جلسات و مواردی از این قبیل و تفکیک آن از هزینه عملیات اجرایی و به خصوص سایر هزینه های اداری ضروری است.

اهمیت و ماهیت مشارکت مردمی در طرح تعادل دام و مرتع:

میسرا، نظریه پرداز هندی، مشارکت را فرآیندی می داند که موجبات رشد تواناییهای اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم گیری و عمل سنجیده و اندیشیده را فراهم سازد. وی معتقد است که مشارکت اگر دارای پایه ای مردمی باشد، شخصیت متکی به خود و روحیه تعاون را در جامعه ایجاد می کند.

در مفهوم گسترده، مشارکت را می‌توان به معنای برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش و درک و توان روستایی در پاسخگویی به طرح‌های گسترده و جامع نگر و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی دانست. چنین تعریفی از مشارکت می‌تواند به عنوان یک راهبرد جدید مشارکتی در توسعه روستایی تلقی شود که بر سه جنبه مهم زیر تأکید دارد:

۱- سازماندهی محرومان، ۲- تمرکززدایی دولتی و ۳- برنامه‌ریزی در سطح محلی (پایین به بالا) (۱۰).

بنابراین به منظور بکارگیری مشارکت واقعی مردم در جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی در طرح تعادل دام و مرتع، هویت دادن و اهمیت دادن به نظر بهره‌برداران به همراه دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و استفاده عملی از نظرات ذینفعان در موفقیت طرح مؤثر خواهد بود. همچنین آگاه‌سازی بهره‌برداران نسبت به مزایای اجرای طرح از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسب، ایجاد تشکلهای اجتماعی و بهره‌جویی از شوراهای اسلامی، ایجاد انجمنهای مشورتی، ارج نهادن به نظرات رهبران محلی، شناخت و بهره‌گیری از مؤثرترین کانالهای ارتباطی و توجه به تضمین منابع مادی مخاطبان از نکات ظریف و کلیدی موفقیت طرح می‌باشد (شکل شماره ۵).

در این مورد حضور گروههای اجتماعی در تمامی موارد می‌تواند مورد توجه و تشویق قرار گیرد. در مجموع در مناطق و نواحی تقسیم‌بندی زیر را خواهیم داشت:

* حضور مرتعداران، دامداران، کشاورزان و به‌طور کلی بهره‌برداران.

* حضور و نقش زنان و جوانان روستایی و عشایری.

* نقش سازمانهای غیردولتی، سازمانهای مردمی و گروههای اجتماعی (۴).

تثبیت توازن بین منابع طبیعی و جمعیت و ایجاد تنوع در بهره برداری:

رسیدن به نرخهای پایین تر رشد جمعیت، و تثبیت آن در سطحی هماهنگ با ظرفیت تولیدی منابع طبیعی، ضروری و نیازی فوری است. این امر مستلزم حرکت به سوی اهداف زیر است:

هدف نخست، افزایش بهره‌وری و گنجایش منابع طبیعی از طریق بهبود وضع ذخایر اراضی، آبی و انرژی و در عین حال جلوگیری از زوال منابع است.

هدف دوم عبارت است از تغییر نسبت جمعیت به زمینهای موجود، از طریق ارایه فرصتهای دیگر امرار معاش از زمین، اصلاحات اراضی، اسکان و مهاجرت و همچنین ترویج و آموزش در کنترل زادآوری.

در انجام این اقدامات، جا به جایی بهره‌برداران خرده و یا مردم بومی، و همین‌طور خطر هزینه‌های عمده اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ثانوی باید به حداقل برسد. به خصوص در قالب طرحهای کلان و حساب شده‌ای همچون طرح اسکان عشایر باید متذکر شد که در این طرح ارایه خدمات حمایتی قوی (آموزش و ترویج، اعطای اعتبارات، تأمین ملزومات و بازاریابی) و سازماندهی بهره‌برداران در طی دوره انتقال، سرنوشت‌ساز خواهد بود.

در واقع موفقیت طرح اسکان عشایر، موفقیت طرح تعادل است، زیرا که به نوعی با ایجاد کانونهای اسکان شرایط لازم برای ساماندهی جمعیت دام و هدایت بهره‌برداران به سمت مشاغل دیگر و بهره‌وریهای متنوع از عرصه فراهم خواهد شد.

در تلاش برای نیل به پایداری و تعادل، دو نوع تنوع مختلف قابل حصول است: تنوع در نظامهای تولید و تنوع در فعالیتهای اقتصادی.

به زبان دیگر، متنوع‌سازی منابع درآمد، بخش مهمی از هر راهبرد توسعه پایدار روستایی را تشکیل می‌دهد. اساساً برای گسترش نظام‌های چند فعالیتی^۲ دو راه وجود دارد: تلفیق فعالیت تولید با فراوری محصولات آن، و تلفیق فعالیت‌های زراعی با فعالیت‌های غیرزراعی، در هر دو مورد توجه اصلی را می‌توان بر پرسودترین فعالیت‌ها معطوف نمود، در حالی که سایر فعالیت‌ها نقش فرعی خواهند داشت (۷).

همچنین ارایه اطلاعات در مورد بازار به مردم محلی به منظور افزایش منابع آنها از تجارب کالاهای کشاورزی، شیلات، جنگلداری، مرتعداری و توسعه صنایع روستایی عنصری کلیدی خواهد بود. به خصوص در شرایط فعلی که واسطه‌گران حداکثر بهره‌برداری را از این کمبود اطلاعات و عدم دسترسی به بازارهای مناسب فروش بعمل می‌آورند، ایجاد انواع تعاونیها (مرتعداری، دامداری، بهره‌برداری و به خصوص آبخیزداری) و شرکت‌های سهامداری با ضوابط خاص در این راستا بسیار مؤثر خواهد بود.

بهره‌گیری از رهیافتهای مذکور در سیاست‌گذاری کلان منابع طبیعی و اجرای این دست یافته‌ها در طرح‌های ملی، نیل به پایداری و تعادل را تسریع خواهد نمود. طرح تعادل دام و مرتع به عنوان طرحی ملی به دنبال برقراری تعادل در عرصه از طریق چنین راهکارهایی است. در حال حاضر افزایش جمعیت دام و دامدار مهمترین عامل مخرب این منابع به شمار می‌آیند و ساماندهی به این جمعیتها از طریق ایجاد تنوع در بهره‌برداری و هدایت جمعیت مازاد دام و دامدار به سمت کانونهای دیگر ما را به سوی اهمیت به نگرشهای نو و بهره‌گیری از خلاقیتها و نوآوریها می‌کشاند.

علاوه بر این، می‌بایست به دنبال یافتن و تثبیت نرخ بهینه‌ای از رشد در این مناطق با توجه به توان و استعداد عرصه و همت مردم بود و باید تا حصول نتیجه این

تثیت چاره‌ای برای جمعیت مازاد فعلی اندیشید. بی‌توجهی به این نکته دستیابی به تمامی برنامه‌ریزیهای طراحان را ناممکن خواهد نمود.

در واقع برنامه‌ریزان این طرح مدعی هستند که تخریب کنونی مراتع در دیدگاه جزئی‌نگر اضافه بودن تعداد دام و دامدار نسبت به ظرفیت مراتع است. از سوی دیگر می‌دانند افزایش جمعیت دامی توسط دامداران باتوجه به اوضاع کنونی اقتصادی آنان، امری طبیعی است. بنابراین ساماندهی به این وضعیت نیازمند تنوع‌گرایی و بهره‌وری از توان و استعداد عرصه (به منظور بالابردن توان اقتصادی بهره‌برداران و جای دادن حداکثر جمعیت ممکن باتوجه به توان عرصه در منطقه) و همچنین کنترل رشد جمعیت بهره‌برداران (با هدایت جمعیت مازاد به کانونهای دیگر و جلوگیری از افزایش رشد جمعیت مازاد و غیر مازاد) می‌باشد.

نقش طرح تعادل دام و مرتع در توسعه پایدار:

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار را چنین تعریف نمود: (توسعه‌ای که بدون به مخاطره انداختن توان نسلهای آینده برای رفع نیازهای خود، پاسخگوی نیازهای حال حاضر باشد). این مفهوم طی تعریف زیر برای بخشهای مواد غذایی و کشاورزی دقیقتر بیان شد و در سال ۱۹۸۸ توسط شورای فائو مورد پذیرش قرار گرفت:

توسعه پایدار عبارت است از مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود و جهت‌دهی به تغییرات فنی و نهادی به طریقی که دستیابی به نیازهای بشری و برآوردن مستمر این نیازها چه در حال حاضر و چه در آینده تضمین شود. چنین توسعه پایداری منابع ارضی و آبی و همچنین منابع ژنتیکی گیاهی و حیوانی را حفظ می‌کند و موجب

زوال محیط زیست نمی‌شود. از لحاظ فنی مناسب، از نظر اقتصادی ماندنی و از نظر اجتماعی مقبول است (۷).

توسعه روستایی پایدار را می‌توان رهیافتی برای توسعه دانست که در آن کارایی، عدالت و پایداری به دقت تلفیق شده‌اند. در این زمینه، کارایی متضمن بهینه‌سازی استفاده از منابع طبیعی است، عدالت مستلزم فقرزدایی و کاهش شکاف بین ثروتمندان و فقرا می‌باشد، و هدف پایداری حفاظت از امرار معاش نسلهای آینده از طریق حفظ بدنه منابع طبیعی می‌باشد. اگر قرار است که این رهیافت موفق باشد، حفاظت محیط‌زیست و پایداری باید به دقت در برنامه‌ریزیهای کشاورزی، منابع طبیعی و تحلیل سیاستها گنجانده شوند تا مفاهیم شکل راهبرد، فعالیت و اقدام عملی را به خود بگیرند (۷).

به منظور دستیابی به چنین توسعه‌ای راهی جز تحقق آمارهای کنونی نمی‌ماند. در واقع چارچوب مفهوم توسعه پایدار بر تعلق ((آینده به همه ما)) و ((برابری بین نسلها)) استوار گردیده است (۵). بدین جهت جامع‌نگری یا به عبارت بهتر فکر کردن به شیوه جهانی و عمل کردن به شکل محلی تنها سیاستی خواهد بود که نیل به اهداف فوق را ممکن می‌سازد. بنابراین، می‌بایست با ترسیم طرحهای کلان و ملی قدم به قدم به توسعه‌ای مطلوب نزدیک شد. بی‌تردید طی نمودن این مسیر بدون فائق آمدن بر مشکلات موجود امکان‌پذیر نخواهد بود.

از آنجا که طرح تعادل دام و مرتع در اندیشه، حل معضل موجود عرصه‌های منابع طبیعی به شکلی ریشه‌ای و مداوم است و در این راستا با گستردگی لازم در ابعاد مورد نیاز عمل می‌نماید، می‌تواند در زمره طرحهای توسعه منطقه‌ای محسوب گردد. این نوع توسعه خود استمرار و زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار در اینگونه عرصه‌هاست. به عبارت بهتر، برقرار بودن تعادل دام و مرتع شاخصی در پایدار نشان دادن گستره‌های منابع تولید طبیعی کشور است.

در واقع اجرای صحیح طرح تعادل دام و مرتع در یک ناحیه، تحقق بخشی از اهداف طرحهای جامع را در پی دارد، طرحهای جامع نیز خود بخشی از برنامه‌های توسعه منطقه‌ای است که با انجام آن انتظار پدیداری توسعه‌ای پایدار در کشور می‌رود. بنابراین در طراحی و برنامه‌ریزیهای این طرح کوشش گردیده است تا تمامی واحدهای مرتبط با این عرصه‌ها در کنار هم قرار گیرند، و با اعمال مدیریت هماهنگ در حیطه‌های اجرایی منسجم، یک توسعه همه جانبه را ایجاد نمایند. ساماندهی به دام، مرتع، کوچ، اسکان، حوزه‌های آبخیز، آبهای جاری، انواع بهره‌بردارها، وضع معیشتی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی، عمران و روستایی و عشایری و ارتقاء فرهنگ عمومی بهره‌برداران منابع طبیعی و عامه مردم در این زمینه راهی است به سوی برقراری توسعه‌ای پایدار در گستره‌های طولانی منابع طبیعی. امید اینکه این نگرشها و دیدگاهها در اجرای هر چه بهتر و مصمم‌تر طرح مفید فایده واقع گردند.

پیشنهادها:

- نتایج و رهیافتهای حاصل از این مقاله را می‌توان به صورت پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:
- توصیه می‌گردد: ترسیم راهکارهای همسویی با اهداف توسعه پایدار جهانی و گرایش به سیاست همگرایی با برنامه‌ریزیهای کلان منطقه‌ای که در بالاترین سطوح برنامه‌های توسعه کشور پیش‌بینی شده در برنامه‌ریزیهای منابع طبیعی نیز مورد توجه قرار گیرند.
 - توصیه می‌گردد: با تکیه بر تجارب گذشته و شرایط موجود، تدوین قوانین جدید و تنظیم دستورالعملهایی که پیشبرد اهداف طرح را به دنبال داشته باشد، صورت پذیرد.

- پیشنهاد می‌گردد: گروه‌های مطالعاتی، تحقیقاتی و آموزشی و ترویجی قبل از گروه‌های دیگر وارد منطقه شده و با آماده نمودن اذهان عمومی به ارائه نقشه اجرایی، جدول زمان‌بندی اجرای عملیات و تفکیک وظایف واحدهای مختلف پردازند.
- باتوجه به زندگی کوچنده عشایر لازم است که طرح تعادل در مناطق بیلاقی و قشلاقی این قشر و به‌طور هم‌زمان و توأم در عرصه‌های متعلق به عشایر و روستاهای اطراف اجرا گردد تا بتوان علاوه بر کاهش تنشها و هنجارهای اجتماعی بین روستاییان و عشایر، مدیریت مناسبی در مراتع بیلاق، قشلاق و زمان ورود و خروج از مرتع و زمان کوچ اعمال نمود.
- می‌بایست عناوین تحقیقاتی را به سمت حل مشکلات و موانع موجود این طرح هدایت نمود.
- برای تأمین علوفه و سایر نهاده‌های مورد نیاز اجرای طرح به تنظیم راهکارهای مناسب نیاز می‌باشد. بنابراین توصیه می‌گردد، که برنامه‌ریزان به این نکته توجه بیشتر و جدیتری داشته باشند.
- پیشنهاد می‌گردد: زمینه‌های مناسب برای تسهیل فرآیند دخالت اقشار مختلف مردم در تصمیم‌گیریها و مشارکت قطعی و مستمر در طول مراحل اجرای طرح و بعد از آن فراهم گردد.
- لازم است که در احداث تاسیساتی همچون پرواربندها، راهکارهایی مد نظر قرار گیرند که عموم دامداران مراتع قادر به احداث این واحدها و پرداخت هزینه‌ها و وام‌های مربوطه باشند.
- توصیه می‌گردد: طرح دشتبان (قرقبان) در مراتع قطب مخالف چرای عشایر (بیلاق و قشلاق) احیاء گردد. این امر مستلزم ترویج و تشویق عمومی و آگاه‌سازی عشایر برای مشارکت دائمی و پذیرش به عنوان یک حرفه می‌باشد. صدور کارتهای شناسایی برای این دشتبانان و قرقبانان منابع طبیعی و محیط‌زیست الزامی است.

- هماهنگی و همسویی معاونت‌های فنی و حفاظت و امور اراضی (سازمان جنگلها و مراتع کشور) در اهداف کلی و در چگونگی دستیابی به این اهداف در اجرا، ضروریست، هر چند اقدامات اولیه در این زمینه آغاز گردیده، اما تسریع در روند تفاهم و هم‌اندیشی باتوجه به خطوط طراحی شده در ارجای طرح تعادل دام و مرتع لازم می‌باشد. همچنین می‌بایست اقدام مشابهی از سوی سایر واحدهای مرتبط با طرح تعادل صورت پذیرد.

- باتوجه به نقش کلیدی و بسیار مهم نظارت و ارزیابی می‌بایست در مراکز تحقیقاتی به تشکیل کمیته نظارت و ارزیابی متشکل از تمامی کارشناسان بخش تحقیقات (جنگل، مرتع، بیابان، بهره‌برداری، اجتماعی و اقتصادی، دام، شیلات و ...) اقدام نمود.

منابع:

- ۱- اداره کل پرورش و اصلاح نژاد دام، ۱۳۷۸. طرح ساماندهی دام در مراتع کشور (طرح منتشر نشده). تهران: معاونت امور دام وزارت جهادسازندگی.
- ۲- اسکندری، نگهدار و همکاران، ۱۳۷۸. تعادل دام و مرتع، توازن بین تولید و مصرف. مجله جنگل و مرتع، شماره ۴۴.
- ۳- درویش، محمد، ۱۳۷۹. جایگاه مدیریت بیابان و مدیریت محیطزیست در آموزه توسعه پایدار و در خور. بخش تحقیقات بیابان، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، مجله جنگل و مرتع. شماره ۴۶.
- ۴- دفتر برنامه‌های کنترل بیابانزدایی آسیا و اقیانوسیه (D.P.O)، ۱۳۷۹. راهنمای تهیه و تدوین برنامه‌های اقدام ملی بیابانزدایی جمهوری اسلامی ایران. گاهنامه دفتر برنامه‌های کنترل بیابانزدایی آسیا و اقیانوسیه.

- ۵- رضایی مقدم، کورش، ۱۳۷۶. ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار در شهرستان بهبهان. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- ۶- ریاحی، اکبر و اسدا... صباحی، ۱۳۷۸. طرح تعادل دام و مرتع (طرح منتشر نشده). شیراز: اداره کل منابع طبیعی استان فارس.
- ۷- سازمان خوار و بار جهانی (فائو)، ۱۳۷۸. راهبردهایی برای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی: رهنمودهایی جدید برای کشاورزی، جنگلداری و شیلات. ترجمه: موسی موسوی زنوز، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- ۸- عابدی سروستانی، احمد، ۱۳۷۶. خانه‌های ترویج روستایی جهاد سازندگی استان فارس. ارزشیابی اثر بخشی، پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده) دانشگده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- ۹- علیزاده، عسگر، شیرمحمدی، داریوش و حسن معین‌الدین، ۱۳۷۸. طرح تعادل دام و مرتع (طرح منتشر نشده). تهران: دفتر فنی مرتع، سازمانه جنگلها و مراتع کشور.
- ۱۰- کارگر، عباس و احمد عابدی سروستانی، ۱۳۷۸. زمینه‌های مشارکت مردمی در طرحهای منابع طبیعی. مطالعه موردی، مقاله ارائه شده در اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، تهران: ۲۷ و ۲۸ دی ماه، دانشگده تربیت مدرس.
- ۱۱- مدیریت بهسازی امور تولید، معاونت توسعه و عمران سازمان امور عشایر کشور، ۱۳۷۸. برنامه‌های سازمان امور عشایر در مدیریت هماهنگی (تعادل دام و مرتع). (طرح منتشر نشده)، تهران: سازمان امور عشایر کشور.
- ۱۲- معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۸. پیش نویس پیشنهادات همکاری آبخیزداری با طرح تعادل دام و مرتع، (پیش نویس منتشر نشده). تهران: معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی.

۱۳- معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۸. پروژه ترویج و مشارکت مردمی طرح تعادل دام و مرتع، (پروژه منتشر نشده). تهران: دفتر ترویج، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

۱۴- مقدم، محمدرضا، ۱۳۷۷. مرتع و مرتعداری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵- مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، ۱۳۷۸. پروژه ارزیابی و کنترل دوره‌ای طرح تعادل دام و مرتع (پروژه منتشر نشده). تهران: مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور.

۱۶- یوسفی نژاد، مجید، ۱۳۷۸. بررسی دیدگاههای مدیران سازمان منابع طبیعی نسبت به توسعه پایدار و جهانی شدن آن. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، شیراز: دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

